



روایت خواندنی از تشریف علامه شوشتری به محضر امام حسین

در آستانه فرا رسیدن برگزاری نخستین کنگره بزرگداشت علامه شیخ جعفر شوشتری در خوزستان، چگونگی تشریف این علامه به ساحت مقدس حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) از زبان خود، در متن زیر پرداخته می شود.

در آستانه فرا رسیدن برگزاری نخستین کنگره بزرگداشت علامه شیخ جعفر شوشتری در خوزستان، چگونگی تشریف این علامه به ساحت مقدس حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) از زبان خود، در متن زیر پرداخته می شود.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری رسا در اهواز، در زندگی نامه مرحوم علامه شیخ جعفر شوشتری، در خصوص تشریف ایشان به ساحت مقدس سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله حسین (ع) در عالم رؤیا، از زبان وی در کتاب ویژگی های امام حسین (ع)، ترجمه کتاب خصائص الحسینیه علامه شیخ جعفر شوشتری، به نگارش علیرضا کرمی آمده است: زمانی که از تحصیلات علمی خویش در حوزه نجف فارغ شدم و به وطن خود شوشتر، بازگشتم با تمام وجود دریافتم که باید در هرچه بیشتر و بهتر آشناساختن مردم با معارف قرآن و اسلام بکوشم.

به همین جهت در گام نخست تصمیم گرفتم که روزهای جمعه را منبر بروم و پس از آن با فرا رسیدن ماه رمضان، به خاطر انجام این مسؤولیت به منبر خویش ادامه دادم، اما شیوه کار اینگونه بود که: تفسیر صافی را به دست می گرفتم و از روی آن مردم را وعظ و ارشاد می نمودم و در آخرین بخش منبر هم، به بیان مشهور و معروف که هر غذایی نیاز به نمک دارد و نمک مجلس وعظ و ارشاد نیز، روضه و یادآوری و بازگویی مصائب جانسوز عاشورا و حسین علیه السلام است، به ناچار از کتاب (روضه الشهداء) مقداری مرثیه می خواندم.

ماه محرم را نیز که در پیش بود، به همین صورت گذراندم؛ اما به هیچ عنوان توانایی جدایی از کتاب و منبر رفتن بدون کتاب را نداشتم و مردم نیز بدین صورت بهره کافی نمی بردند، اما به هر حال حدود یک سال بدین صورت گذشت.

سال بعد با فرا رسیدن محرم با خود زمزمه کردم که: تا چه زمانی باید کتاب در دست گیرم و از روی کتاب مجلس و منبر را اداره کنم؟ و تا کی نتوانم از حفظ منبر بروم؟ باید چاره ای بیاندیشم و خویشتن را از این وضعیّت ناگوار نجات بخشم. اما، هر چه در این مورد اندیشیدم راه به جایی نبردم و بر اثر فکر زیاد، خستگی سراسر وجودم را فراگرفت و از شدّت نگرانی به خواب خوشی رفتم.

در عالم رؤیا دیدم که در سرزمین کربلا هستم، آن هم درست به هنگامی که کاروان حسین علیه السلام در آنجا فرود آمده است. به همه جا نگریستم، چشمم به خیمه ای برافراشته افتاد، دریافتم که سپاه دشمن در صفهای فشرده بر گرد خیمه حسین علیه السلام گرد آمده اند، گام به پیش نهادم. دیدم خود حسین علیه السلام در درون آن خیمه نشسته است، وارد شدم. سلام گرمی نثار آن سیمای نورافشان نمودم که حضرت مرا در نزدیکی خویش جای داد و به حبیب بن مظاهر فرمود: «#171;حبیب! شیخ جعفر، میهمان ماست باید از میهمان پذیرایی کرد. درست است که آب در خیمه نیست، اما آرد و روغن موجود است، بپاخیز و برای میهمان غذایی آماده ساز.» حبیب بن مظاهر به دستور حسین علیه السلام برخاست و پس از لحظاتی چند به خیمه وارد شد و غذایی پیش روی من نهاد. فراموش نمی کنم که قاشقی هم در ظرف غذا بود. چند قاشقی از آن غذای بهشتی صفت، خورده بودم که از خواب بیدار شدم و دریافتم که از برکت زیارت آن حضرت و عنایت او، نکات ولطائف و کنایات و ظرافتهایی از آثار خاندان وحی و رسالت بر من الهام شده است که تا آن ساعت، بر کسی الهام نگشته و فهم کسی بر آنها از من پیشی نگرفته بود.

گفتنی است، علامه شیخ جعفر شوشتری، از علمای برجسته خوزستان بوده که در سال 1303 قمری، دار فانی را وداع گفت و پیکر مطهرش به نجف اشرف منتقل و به خاک سپرده شد.